

جهنم رفتن مشکل است ولی بهشت رفتن خیلی آسان است

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: انسان دو سه ساعت وقتش را صرف بهشت کند، آنگاه خدا این بهشت، حتماً می‌دهد. اصلاً ما را خلق کرده که با این نعمت‌ها به بهشت رویم.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: انسان دو سه ساعت وقتش را صرف بهشت کند، آنگاه خدا این بهشت، حتماً می‌دهد. اصلاً ما را خلق کرده که با این نعمت‌ها به بهشت رویم.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود بیاناتی فرموده که متن آن در پی می‌آید. در جلسه قبل مقدار کمی راجع به بهشت صحبت کردم و اگر یادتان باشد هفته گذشته یک جمله می‌گفتم و این جمله خیلی مهم است که تکرار مکررات هم نیست. در این دنیا معمولاً تکرار مکررات است. انسان صبح غذایی بخورد و به دنبال کار برود و در ظهر ناهاری بخورد و در شب شامی بخورد و استراحت کند و ارضای غرایز کند، اما این تکرار مکررات است و دیروز و امروز را مثل هم می‌بیند. اصلاً مقداری بالاتر باید بگوییم در دنیا لذت نیست. لذا به قول بزرگان، همه رفع الم است. انسان مثلاً گرسنه می‌شود و دردی مسلط بر او می‌شود و وقتی غذا بخورد سیر می‌شود و این دفع یک ناراحتی و الم کرده است و بالاخره یک عمر تکرار مکررات است. اما در بهشت اصلاً تکرار مکررات نیست. هر ساعتش نو است، تا خدا خدایی می‌کند. پروردگار عالم تجلی رحمت کرده است و این بهشت را موجود کرده است و آن برای انسان است. یک زندگی صد در صد رفاه تا خدا خدایی می‌کند. پروردگار عالم ما را برای این خلق کرده است، اما اختیار و انتخاب از ماست. مائیم که باید نعمت‌های بهشت را ایجاد کنیم. مائیم که باید آن رحمت خدا را متجلی کنیم، مائیم که باید بهشت این‌چنان که گفتم برای خود تهیه کنیم. نمی‌گوییم بهشت و جهنم نیست و بعد پیدا می‌شود. قرآن می‌فرماید الان هم هست:

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» [۱]

بهشت و جهنم الان موجود است و مائیم که باید بهشتی شویم. مائیم که باید در جهنم را به روی خود ببندیم. قرآن می‌فرماید همه انسان‌ها وقتی می‌خواهند وارد بهشت شوند، باید از جهنم بگذرند:

«وَأِنْ مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» [۲]

قرآن می‌فرماید این حتماً هست. اما بعضی‌ها وقتی وارد جهنم می‌شوند، جهنم آنها را می‌بلعد. آخرت عالم حیوان و شعور است. جهنمش شعور و عقل دارد و حرف می‌زند و بهشت هم شعور دارد و عقل دارد و حرف می‌زند:

«وَأِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» [۳]

یعنی چرا نمی‌فهمی؟! لذا هرکه بخواهد وارد بهشت شود باید از راه جهنم رود تا به بهشت برسد. وقتی وارد جهنم شد، اگر جهنمی باشد، جهنم او را می‌بلعد و اما اگر بهشتی باشد، جهنم با احترام خاصی به او راه می‌دهد. قرآن می‌فرماید: ولایت به جلو و بیرق ولایت روی دوش اوست و کسانی که این ولایت را پذیرفته‌اند، به دنبال او می‌روند و با سرعت برق، با احترام خاصی از جهنم بیرون می‌روند و به بهشت می‌رسند. معنایش اینست که این دنیا جهنم است. نعمت‌هایش هم الم است، چه رسد به غیر از نعمت‌هایش. اصلاً دنیا یعنی مشقت و زحمت، یعنی آلوده و مائیم که در این دنیا باید از این آلودگی‌ها نجات پیدا کنیم و این مربوط به خدا نیست، بلکه مربوط به خود ماست. البته اگر در راه بیفتیم، خدا توفیق‌های بالایی عنایت می‌کند و خدا مدد می‌کند، همین‌طور که می‌دانید صد و بیست و چهار هزار پیامبر آمده تا ما را بهشتی کند و به استكمال برساند، اما آنچه باید توجه کنید، این روحانیت مبلّغ همیشه بوده است. از زمان حضرت آدم تا الان و تا زمان ظهور و در زمان ظهور هم حکومت مبلّغ است و تمام شدنی نیست و این مبلغ‌ها هزار هزار و میلیون میلیون است و مخصوصاً در دین اسلام و روحانیت. پروردگار عالم همه اینها را خلق کرده و امر کرده برای اینکه ما را بهشتی کنند.

از جهت دیگر هم خدا توفیق می‌دهد به ما برای اجتناب از گناه؛ به این هدف از خلقت می‌گوییم. البته هدف‌هایی هست که درباره شهودش صحبت کردم و این دو جلسه راجع به بهشتی بودن و استكمال انسان است و هدف‌های دیگری هم هست و اگر خدا توفیق کند، بعد درباره‌اش صحبت می‌کنم.

پس خدا بهشت را برای ما خلق کرده و مبلّغ هم برای ما فرستاده است که ما با اختیار خودمان بهشتی شویم.

این جمله حضرت «ره»، جمله شیرینی است. می‌فرمود: قبل از اینکه انسان به این دنیا بیاید، اول پیامبر آمد. یعنی حضرت آدم به عنوان پیامبر آمد و بعد هابیل و قابیل پیدا شدند. بعد حضرت امام می‌فرمودند: این خدا اینقدر مهربان است. کسی را زیر نظر کفر پرورش می‌دهد تا کم‌کم قدرت پیدا می‌کند و او را زیر نظر پیغمبر خدا یعنی حضرت شعیب می‌فرستد و دوازده سال تربیت می‌کند و بعد با زحمت‌ها و مشقت‌ها که پیامبر شد، خطاب می‌شود برو و این فرعون را هدایت کن. به قول حضرت امام، قرآن می‌فرماید: سفارش فرعون را به حضرت موسی می‌کند که با تطف و مهربانی با او حرف بزن: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا نَعْلَهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» [۴]

من دوست دارم این فرعون بهشتی شود و دست از خرفت بازی بردارد. به قول حضرت امام، ما را اینگونه خلق کرده و اینگونه هدایت می‌کند برای اینکه برسیم به سعادت ابدی که هیچ غم و غصه و مشقت و المی در آن نباشد.

لذا قرآن می‌فرماید جهنمیان وقتی به جهنم می‌روند، دور هم با هم حرف می‌زنند و کتک کاری هم می‌کنند و حرف‌های نامربوط

می‌زنند و به یکدیگر می‌گویند: تو من را جهنمی کردی! آنگاه خطاب می‌شود هر دوی شما بدبخت هستید و بسوزید. جهنمیان می‌گویند:

«لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» [۵]

ما عقل نداشتیم که به جهنم آمسیم و الا اگر عقل داشتیم، به جهنم نمی‌آمسیم. جهنم از بی فکرها و غافل‌ها است. قرآن می‌فرماید: جهنم از آدم‌های غافل و هوی پرست است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْعَامِ لِإِبْلِهِمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» [۶]

اگر غفلت و حُل بازی نباشد، چرا جهنم باشد؟

ما برای بهشت خلق شده‌ایم، البته خود باید بهشتی شویم و اگر بهشتی نشویم، خیلی پشیمانی دارد، لذا در روایات می‌خوانیم و قرآن هم دلالت دارد که یکی از عذاب‌های بزرگ جهنمیان، غصه خوردن است از اینکه چرا جهنمی شدند و می‌توانستند بهشتی شوند، اما چرا نشدند و چرا با یک هوی و هوس خود را به این ذلت و بدبختی کشاندند؟! چرا با این همه مشقت و زحمتش، دنیا را قبول کردند و به عبارت دیگر جهنم را قبول کردند و بهشت را رها کردند. یکی از غصه‌های اهل جهنم همین است. لذا آن آیه می‌گوید: وقتی با هم می‌نشینند، می‌گویند: ما دیوانه بودیم و الا اگر عقل داشتیم، به جهنم نمی‌آمسیم و جهنم را خود تهیه می‌کنیم.

چه عالی گفته:

هرچه می‌کاری همه روزه بنوش هرچه می‌بافی همه روزه بیوش

این سخن‌های چو مار و کژدمت مار و کژدم می‌شود گیرد دمت

همه را خودمان تهیه می‌کنیم. این سخن‌های مار و کژدم ما و این سخن‌هایی که آبروی مردم را برای هیچ می‌بریم. غیبت‌ها و شایعه‌ها و دروغ‌ها، و این دنیا با این همه نکبتش را به جای لذت بهشت قبول می‌کنیم. اگر چشم بصیرت باشد و انسان به این دنیا نگاه کند، دنیای حرام بدتر از هر نجاستی است.

یک آقای مؤمنی بوده و رفیق مرحوم آقای دستغیب بوده و این دو خیلی با هم رفیق بوده‌اند. خدا درجات هر دو را که عالیست، عالی‌تر کند!

این آقای مؤمن گفته بوده من دلم هوای امام زمان را کرده بود، لذا هرچه کردم نشد. اعتصاب غذا کردم تا خدمت آقا برسم، اما روزه می‌گرفتم. دو روز را روزه گرفتم و بعد از ظهر روز سوم کسی آمد و گفت: آقا امام زمان به من فرموده تو را به مشهد ببرم و آنجا خدمت آقا امام زمان برسی. مقداری نان و کشمش و غذای مختصری تهیه کرده بود و بالاخره مرا از شیراز به قدمگاه برد. وقتی رسیدیم به قدمگاه، رفقای من از مشهد برگشته بودند و از او اجازه گرفتم که من بروم و سری به رفقایم بزنم. وقتی وارد شدم، دیدم که غذای آنها چلوخورش است، اما لجن و فضولات است. وقتی لقمه را در دهان می‌گذارند، این نجاست‌ها و لجن‌ها از دندان‌ها و دهان آنها بیرون می‌ریزد. می‌گوید: ترسیدم و فرار کردم. آن آقا تبسمی کرد و گفت: با این غذاها می‌خواهی خدمت امام زمان هم برسی! بالاخره آقای مؤمن به مشهد رفت و در آنجا خدمت آقا امام زمان رسید. مرادم اینجاست که این دنیای حرام یعنی نجاست خوری. حال ما چشم بصیرت نداریم، حرف دیگرست.

یک خانمی بچه‌اش را گم کرده بود و هرچه این‌طرف و آن‌طرف زد، نشد و در آخر شب نزد یکی از بزرگان رفت که از علمای بزرگ شهر بود و گفت: بچه‌ام را از تو می‌خواهم. آن بزرگ مجبور شد نزد حکومت ظالم وقت رفت و گفت بچه را از تو می‌خواهم. او درحال غذا خوردن بود و به این بزرگ گفت: غذا بخور و اصرار کرد. وقتی اصرار کرد، این بزرگ یک مشت از برنج‌های او برداشت و فشار داد آنگاه بنا کرد خون از لای انگشتان او بریزد و بالاخره گفت: من خون بخورم یا پلو بخورم؟ این مال مردم است و خون مردم را در شیشه کرده‌ای و می‌خوری و می‌خواهی به خورد من هم بدهی؟! حال انسان آن بهشت را رها کند و این جهنم را بگیرد؟! لذا بالاترین جهنم‌ها همین دنیاست که ما در همین دنیا جهنم درست می‌کنیم. این سخن‌های چو مار و کژدم ما، مار و کژدم در جهنم درست می‌کنیم.

جهنم رفتن مشکل است، ولی بهشت رفتن خیلی آسان است. شما عزیزان در شبانه روز دو ساعت یا سه ساعت عمرتان را برای بهشت صرف کنید. حال مشهور است که هشت ساعت عبادت و هشت ساعت کار و هشت ساعت استراحت، که معمولاً مردم هشت ساعت استراحت، یعنی گناه و هشت ساعت کار دارد و وقتی به عبادت می‌رسد، خسته می‌شود و حالی ندارد که نماز بخواند و به قول قرآن نمازش برایش سنگین است. انسان دو سه ساعت وقتش را صرف بهشت کند، آنگاه خدا این بهشتی را که از نظر قرآن بیان کردم، حتماً می‌دهد. اصلاً ما را خلق کرده که با این نعمت‌ها به بهشت رویم. در اعتقادات کاری کنیم و هرکس در اعتقادات کار کند به هرکجا بخواند می‌رسد. در روز یک ساعت یا دو ساعت روی اعتقادات کار کنیم. هرکسی در اعتقادات کار کند، به هرکجا خواست می‌تواند برسد. مخصوصاً اعتقادات شیعه خیلی فولادی است و به قول قرآن شجره طیبه قرآن: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» [۷]

استدلال‌های شیعه قوی و ریشه‌دار و شاخه‌دار و میوه‌دار است، و اگر همه و بی‌سوادها و دانشگاه‌ها یک ساعت وقت در شبانه‌روز روی اعتقادات بگذارند، از نظر اعتقادات عالی می‌شوند و همان اعتقادی می‌شود که انسان را بدون حساب و کتاب به بهشت می‌برد. همان اعتقادی می‌شود که در روز قیامت مهر امیرالمؤمنین «ع» به پیشانی او می‌خورد و ملائکه او را زیر لوای حمد می‌برند و از دست امیرالمؤمنین یا یکی از ائمه طاهرین «ع» از آن آب کوثر می‌خورد و یک انسان کامل می‌شود. راجع به

عبادات نیز همین‌طور است، دو ساعت وقت را روی عبادات بگذارید. به قول قرآن دو ساعت حرف عقلمان را بشنویم و بالاخره اجتناب از گناه کنیم. اهمیت به عقایدمان، اهمیت به واجبات و مستحبات و اجتناب از گناه، آنگاه متقی می‌شود و قرآن در آیات فراوانی وعده داده است که بهشتی هستی و اصلاً بهشت را برای تو خلق کرده‌ام! لذا در اعتقاداتمان لنگیم. کار می‌رسد به اینجا که دشمن یک بار با ما می‌جنگد، مثل آن هشت سال دفاع مقدس که هیچ غلطی نتوانست بکند و وقتی دید که نمی‌شود، با فساد اخلاقی جلو آمد و تشیع را تضعیف کرد و این فساد اخلاقی ما الان تشیع و جوان‌های ما را تضعیف کرده است؛ اما باز آنچه او می‌خواست نشد و او براندازی می‌خواست. آن هشت سال دفاع مقدس برای براندازی بود و وقتی فساد اخلاقی آورد، نشد، اما الان دو چیز آورده و خیلی خطر دارد: یکی ایجاد شبهات، مخصوصاً برای جوان‌ها و دانشگاهی‌ها و الان بیش از هزار رسانه شبانه روز علیه تشیع کار می‌کنند و وقتی نمی‌توانند بگویند تشیع اشکال دارد، آنگاه شبهه ایجاد می‌کنند. اما اگر در شبانه روز یک ساعت روی اعتقادات حرف بزنید، شبهات او خنثی می‌شود. شبهات در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و در روزنامه‌ها و کتاب‌ها و در سایت‌ها آمده و کم‌کم علیه شیعه و تشیع کتاب می‌نویسند. این تقصیر خود ماست و اگر خود ما در شبانه روز یک ساعت روی تشیع کار می‌کردیم، آنگاه شبهه‌ها کم می‌شدند. این یک چیزی است که الان بدتر از آن هشت سال دفاع مقدس برای براندازی تشیع است و جوان‌ها خیلی باید مواظب باشند.

قضیه دوم اینکه همدیگر را به جان هم انداختند. قضیه داعش معلوم است که از صهیونیسم‌هاست و صهیونیسم‌ها که در رأس امور هستند برای نابود کردن تشیع؛ و رئیس امریکا هم صهیونیسم است و همه کاره اوست، اما بالاخره امریکا این امر دوم را جلو کشیده که مسلمان‌ها به جان هم بیفتند، لذا قضیه داعش از صهیونیسم‌هاست، قضیه القاعده و قضیه سلفی‌ها از صهیونیسم‌هاست و البته صعودی‌های بدجنس نفهمی می‌کنند و خودشان را به نابودی می‌کشاند. این خطر دوم است و خطر داعش خطر بزرگی است و اگر به راستی جمهوری اسلامی نبود، اگر به راستی روحانیت و مراجع بزرگ و مخصوصاً مرجع بزرگ عراق، حضرت آیت الله سیستانی نبود، ما الان عراق نداشتیم. الحمدلله جمهوری اسلامی به فریاد عراق رسید و روحانیت به فریاد عراق رسید و این کارها را امریکا می‌کند و البته صهیونیسم امر می‌کند و امریکا عمل می‌کند و ما باید متوجه باشیم و مواظب باشیم و همه باید وحدت داشته باشیم. من بارها گفتم این تحریم چیز بالایی است و به راستی ما را فلج کرده است. ما کسی هستیم که هشت سال در دفاع مقدس توانستیم جبهه را اداره کنیم، اما بالاخره تحریم، اقتصاد ما را ضربه زده است. حال اگر همه مسلمان‌ها با هم متحد بودند، یک نفر و دو نفر هم نیست و ما شصت مملکت مستقل مسلمان داریم، ما تقریباً دو میلیارد هستیم، حال اگر همه با هم متحد باشیم و تحریم اقتصادی کنیم، یک ماه یا دو ماه طول نمی‌کشد که استکبار جهانی و من جمله امریکا را ذلیل می‌کنیم. اگر نفت و ذخایرمان را ندهیم، آنگاه قضیه تمام می‌شود. مائیم که تقصیر داریم و مائیم که به اینجا می‌رسیم، لذا الان این دو چیز خیلی مهم است و خیلی برایش دعا کنید. یکی قضیه داعش که از صهیونیسم‌هاست و البته نیرویش امریکاست و امرش از صهیونیسم‌هاست و طرح ریزی از صهیونیسم‌های بدجنس است، اما بالاخره داعشی‌ها را امریکا روی کار آورده است. اگر ما با هم متحد بودیم، الان قضیه به نام داعشی در دنیا نبود، اما ما با هم اختلاف داریم که به اینجا رسیده است. اگر جداً ما با هم متحد بودیم، امریکا در مقابل ما متواضع و خار و ذلیل بود. ما الحمدلله کم نیستیم و دو میلیاردیم، اما پیغمبر اکرم «ص» فرمود: وقتی بیاید که خیلی هستند اما: «بَلْ أَنتُمْ يَوْمِيذٍ كَثِيرٌ وَ لَكِنَّمْ عَتَاءٌ كَعَتَاءِ السَّيْلِ» [۸] و الا آنها تحریم اقتصادی کردند، ولی هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند؛ اما سخت است و اقتصاد ما را فلج کردند، اما اگر ما تحریم اقتصادی کنیم، او را به ذلت می‌کشانیم و فلج می‌کنیم و مجبورند در مقابل ما متواضع شوند.

حال آنچه بحث ماست، اینست که الان ایجاد شبهه می‌کنند تا جوان‌های ما را ببرند و اگر جوان‌های ما در شبانه روز یک ساعت راجع به تشیع و عقاید تشیع کار کنند، آنگاه اگر دنیا پشت به پشت یکدیگر کند، نمی‌تواند ذره‌ای به عقیده جوان ضربه بزند. جوان! اگر رفتی و شبهه داری، بدان که تقصیر خودت است. یعنی اعتقادات خودت خوب نیست و نمی‌توانی روی آن استدلال کنی و آنگاه شبهه تو را می‌برد و الا تشیع چیزی نیست که قابل شبهه باشد و به قول قرآن شجره طیبه قرآن است. به عنوان مثال یک درخت عالی و ریشه‌اش عالی و شاخه‌هایش بالا و پر از زردآلو باشد، اما ناگهان چند کرم در این درخت پیدا می‌شود و درخت را نابود می‌کند. میوه‌ها را که نابود می‌کند و کرمو می‌کند، خود درخت را هم می‌خشکاند.

قرآن تعریف تشیع را کرده است:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أَكْثَرَهَا ثَمَرًا حِينَ يَدُورُ رَبُّهَا» [۹]

اما معلوم است که آنها کرم‌هایی در این شجره طیبه و تشیع ایجاد می‌کنند و جوان‌های ما را در تشیع سست می‌شوند. گفتم باید این دو مصیبت را با توجه رفع کنیم و ان شاء الله رفع شود، مخصوصاً اینکه ما حسین را داریم. امام حسین «ع» همیشه نظر لطفی داشته و دارد.

[۱]. آل عمران، ۱۳۳: «و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید.»

[۲]. مریم، ۷۱: «و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد.»

[۳]. العنکبوت، ۶۴: «و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می‌دانستند.»

[۴]. طه، ۴۴: «و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.»

[۵]. الملک، ۱۰: «اگر شنیده [و] پذیرفته بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم.»

- [۶]. الأعراف، ۱۷۹: «و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری]، آنها همان غافل‌ماندگانند.»
- [۷]. ابراهیم، ۲۴: «مانند درختی پاك است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است.»
- [۸]. سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۱۳.
- [۹]. ابراهیم، ۲۴ و ۲۵: «آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاك که مانند درختی پاك است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد.»